

## چه باید کرد؟ (۲)

قل انما اعظکم بواحدہ ان تقوموا لله...

بگو من فقط شما را به یک چیز دعوت می‌کنم اینکه برای  
خدا قیام کنید... (سبا، ۴۵/۴۶)

### هموطنان شرافتمند

در نشریه «چه باید کرد؟» مورخ آبانماه ۶۳ شمه‌ای از سرخوردگی مردم از انقلاب و سرگردانی آنها را که معلول انحراف انقلاب از مسیر اولیه و پیدایش مشکلات اقتصادی، اداری،... اجتماعی، سیاسی و دینی بود مطرح ساختیم و به رشد نارضایتی مردم از فقدان آزادی و امنیت و از ادامه خون و خرابی و گرانی اشاره نمودیم. سرانجام به طرح این پرسش عمومی رسیدیم که در برابر این نابسامانیها برای نجات مملکت چه باید کرد؟ سپس راه‌حلهائی را که از طرف افراد و گروه‌ها تصریحاً یا تلویحاً ارائه می‌شود، بدین شرح مورد بررسی قرار دادیم:

### ۱- سکوت و انتظار

عده‌ای با گفتار و کردار خود، دست روی دست گذاشتن و به انتظار فرج غیبی و یا اصلاح خودبخودی نشستن را توصیه می‌کنند و این رویه را اینگونه توجیه می‌نمایند که:  
اولاً در شرایط فعلی با حاکمیت انحصار و اختناق امکان کمترین توفیقی وجود ندارد و هر گونه مخالفت را بشدت سرکوب می‌نمایند.  
ثانیاً همانطور که مبارزات ملت و اقدامات گذشته همواره به سود عده‌ای قدرت‌طلب و انحصارگر منتهی شده است در آینده نیز چنین خواهد شد.  
ثالثاً تجربه نشان داده که تنها عامل مؤثر در فعل و انفعالات سیاسی کشور سیاستهای خارجی بوده‌اند و مردم همواره آلت‌دست آنها گشته‌اند.  
رابعاً هرگونه انتقاد، اصلاح، درخواست و دخالت مردم به حاکمیت کنونی مشروعیت خواهد بخشید...  
و بالاخره آنکه اگر همه راهها بسته شود و کارها بدتر از بد گردد، خطاها و خسارتهای خطاکاران را رسواتر کرده خودبخود راه اصلاح را خواهد گشود. بقول فرخی یزدی:

دلم از این خرابیها بود خوش زانکه می‌دانم      خرابی چونکه از حد بگذرد آباد می‌گردد

ما در بررسی این رویه نشان دادیم که چنین بینشی مخالف منطق و عقل و شرع و مولود جاهلیت و فرهنگ منحط استبداد شاهنشاهی بوده هرگز در خور ملتی زنده نمی‌باشد و نه تنها گره‌ای از مشکلات کنونی نمی‌گشاید بلکه نهایتاً به سود استیلاگران شرق و غرب نیز تمام خواهد شد.

## ۲- امید بستن به خارج کشور

عده‌ای چنین تصور و تبلیغ می‌کنند که گویا گره مسائل و مشکلات کشور تنها به دست گروه‌های مستقر در خارج که برخوردار از پول و تبلیغات و قدرت دولتهای خارجی هستند می‌تواند گشوده گردد! این عده با نشر اخبار و دامن زدن به تبلیغات آنها به استقبال اقدامات بیگانگان رفته انتظار دارند دولتهای بزرگ و ابرقدرتهای امتحان داده دست از جهان‌خواری برداشته دلسوزانه نظام مطلوب و مناسب ما را مستقر سازند.

چنین تصویری نیز ساده‌لوحانه و دور از واقع‌بینی است. اولاً درجه خلوص و خدمتگزاری بسیاری از گروه‌های مقیم در خارج در بوته وابستگی به بیگانگان و بی‌تفاوتی در برابر هموطنان آواره خویش روشن شده است. ثانیاً جهان‌خواری دولتهای بزرگ و ابرقدرتها از کفر ابلیس معروفتر است.

## ۳- براندازی نظام جمهوری اسلامی

گروهی نیز مدعی هستند که اقدامات ملایم مسالمت‌جویانه قانونی و اصلاح تدریجی فایده‌ای نداشته باید با عملیات قاطع انقلابی از طریق انفجار و ترور و تعرض و با خشم و خون و خشونت نظام جمهوری اسلامی و حاکمیت را سرنگون ساخت و انتقام خونهای ریخته شده را به هر قیمت ولو همکاری با دشمنان کشور گرفت. این راه نیز جز طولانی ساختن رشته خونریزی و خرابی و لبنانی کردن ایران حاصلی نخواهد داشت و بفرض موفقیت، برنده اصلی در این مسابقه برادرکشی نه گروه‌های مسلمان و ملی، بلکه قطعاً بیگانگان و کمونیستها و ملحدین خواهند بود.

## ۴- قیام خدائی همگانی ملت

در برابر راه‌حلهای فوق، به نظر نهضت آزادی ایران، تنها راهی که اگر مورد تمایل و تأیید مردم و همکاری و فداکاری آنها قرار گیرد نجات بخش و سعادت‌آور خواهد بود، «قیامی» است همگانی برای استیفای حقوق ملت و به ثمر رساندن واقعی انقلاب، با مقاومتی متوکلانه در برابر قانون‌شکنیها و ناهنجاریها و با عبرت‌اندوزی از گذشته، پرهیز از تفرقه و نفاق و خصومت و خونریزی و تلاشی مجدانه برای ایجاد روح تقوی، رحمت، برادری، بلندنظری، گذشت و بالاخره کوششی همه‌جانبه به منظور تهیه و اجرای برنامه‌های مثبت و مولد در جهت خودکفائی مملکت و ساختن آینده‌ای سرشار از امید.

ما در بیانیه «چه باید کرد» (اول) اعلام داشتیم که به نظر نهضت آزادی ایران «هنوز فرصت برای پیمودن این راه قانونی انسانی و اسلامی باقی است و تا زمانی که این راه مشروع و مسالمت‌آمیز آزمایش جدی نشده، نتیجه نداده و اتمام حجت به عمل نیامده است، نباید راه‌حلهای دیگر را برگزید.» روشن نمودیم که: «بر پایه این اعتقاد است که نهضت آزادی ایران همواره در چارچوب قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی فعالیت نموده اینک نیز برای تحقق آرمانهای انقلاب تنها بر کوشش و تلاش در این محدوده اصرار دارد.»

در این بیانیه اضافه می‌نمائیم، ملتی که با مبارزات خود در قیام مشروطیت، در نهضت ملی کردن نفت و در انقلاب شکوهمند ۲۲ بهمن بارها اثبات شخصیت و غیرت و احراز موفقیت نموده، اینک که انقلابش بعد از پیروزی درخشان اولیه دچار انحراف در مقصد و مسیر اصلی و بازگشت به استبداد و اسارت گردیده

برای نجات از مشکلات و گرفتاریها می‌تواند با توکل به خدا و استمداد از نیروهای بالقوه خویش و ادامه آگاهانه راه گذشته باز هم به موفقیت برسد.



انتشار بیانیه «چه باید کرد (اول)» در آبانماه ۶۳ مورد استقبال و امیدواری بسیاری از هموطنان عزیز که امکانات بسیار محدود ما اجازه رساندن نشریه به آنان را می‌داد قرار گرفت. جنب و جوشی میان کسانی که به سرنوشت ایران و اسلام می‌اندیشند ایجاد نمود. البته برخورد با آن بیانیه بی‌چون و چرا و بدون سؤال و سوءتفاهم و ابهام نبود و این نشانه جدی گرفتن تحلیل ما و خود، تشویقی برای نهضت بود. از یک طرف بعضی از گروههای ضدانقلاب و طرفدار براندازی نظام، اعم از سلطنت‌طلبهای مرتجع و پناهندگان به خارج عکس‌العمل نشان داده از طریق رادیوها و نشریات و سخنرانیهای خود ما را آماج تهمتها و افتراءات همیشگی خود قرار دادند و از طرف دیگر دستگاه حاکمیت نیز به دلیل سیاست «سکوت و سانسور» از ابرازنظر رسمی و مواجهه منطقی مردانه خودداری نمود.

در بیانیه حاضر، ما ضمن پاسخگویی به برخی ابهامات و اشکالات مردم می‌کوشیم هم موضع گروههای ضدانقلاب و طرفدار براندازی را تشریح نمائیم و هم وظیفه اسلامی خود، یعنی توصیه به حق و امر به معروف و نهی از منکر را در مورد حاکمیت انجام دهیم.



## ما و سؤالات مردم

از جمله سؤالاتی که پس از انتشار «چه باید کرد (اول)» از ما نموده‌اند این است که: «آیا نهضت آزادی ایران با حاکمیت موجود به نوعی به توافق رسیده و قرار است با دولتمردان همزیستی مسالمت‌آمیز داشته باشد؟»

در پاسخ این سؤال باید بگوئیم نهضت نه با دولتمردان کنونی خصومت دارد که اگر خود را اصلاح کنند و به حقوق ملی مصرح در قانون اساسی، که خونبهای شهیدان است، تمکین نمایند با آنان مخالفت نماید و نه با آنها پیمانی بسته است که اگر به رویه کنونی خود در زیر پا نهادن ارزشها، حقوق و آزادیهای ملت و قانون اساسی و سوءمدیریت ادامه دهند، از آنان حمایت نماید.

ما به حکم اسلام و انسانیت در قبال ایران و هموطنان خود احساس مسئولیت می‌کنیم و به این دلیل همچون سالهای سیاه استبداد سلطنتی، علیرغم فشارهای چند ساله پس از انقلاب دست از امیدواری به خدا و خوش‌بینی به مردم و ادامه مبارزه برنداشته‌ایم. آنچه می‌تواند میان ما و حاکمان کنونی کشور حکمفرما باشد تمکین به حاکمیت ملی و حقوق و آزادیهای است که برای ملت در قانون اساسی تعیین گردیده و در شعار «آزادی، استقلال، جمهوری اسلامی» متبلور گشته است.

در جهت مقابل، ذکر چند نکته نیز ضروری است؛ اولاً برخی از مردم نظام جمهوری اسلامی و حاکمیت کنونی را یکی گرفته نارضایتی خود را از سیاستهای غلط، تبلیغات غیراسلامی، انحصارطلبی‌ها و حق‌کشی‌های حاکمیت به نظام جمهوری اسلامی تسری می‌دهند در حالیکه ما نه تنها نظام جمهوری اسلامی را مترادف با دولتمردان نمی‌شمیریم (کما آنکه اسلام را مساوی و خلاصه شده در روحانیت

نمی‌دانیم) بلکه برخی از اعمال آنان را مخالف نظام و مخدوش‌کننده آن دانسته ضمن وفاداری به نظام جمهوری اسلامی و دفاع از آن، مخالفت جدی خود را با اعمال خلاف دست‌اندرکاران ابراز می‌داریم. ما متعقدیم چنانچه حاکمیت حاضر به تغییر رویه خود و تمکین صادقانه به قانون اساسی نشود تنها راه منطقی و مؤثر برای نجات کشور، تغییر حاکمیت در چارچوب نظام جمهوری اسلامی با اتکاء و استفاده از قانون اساسی می‌باشد، در عین حال هرگونه اقدامی را که به سقوط رژیم از طریق غیرقانونی و خشونت‌آمیز منجر گردد به نفع بیگانگان می‌دانیم.

ثانیاً بسیاری از مخالفین، حاکمیت را یکپارچه دانسته با قضاوتی دربست و کلی همه را به یک چشم می‌نگرند در حالیکه برخی شواهد و عمکردها نشان می‌دهد چنین نیست و اقلیتی هر چند محدود در درون حاکمیت برای تحقق آزادیهای اساسی و اصلاح وضع موجود تلاش می‌کنند.

ثالثاً گروههایی که ضد نظام جمهوری اسلامی هستند گرچه وعده‌ها و شعارهای تند افراطی می‌دهند اما هنوز به جایی نرسیده آنچنان در سرراشیب سقوط و اختلاف و دشمنی افتاده‌اند که حتی اعضا و طرفدارانشان دچار سردرگمی و تحیر و انفعال گشته‌اند.

رابعاً اگر ما قانون اساسی و نظام جمهوری اسلامی را مطرود و مردود بدانیم آیا می‌توانیم چیز دیگری را بزودی و به راحتی جایگزین آن سازیم و آیا پایه دیگری که مورد قبول عامه مردم باشد خواهد ماند که طرح و تبعیت نمائیم؟ البته ممکن است برخی وابستگان رژیم گذشته و مردم ناآگاه با ساده‌لوحی بازگشت ارتجاعی به استبداد سلطنتی را مطرح نمایند که این امر در حقیقت انقلابی به قهقرا و هلاکت ملت خواهد بود.



سؤال یا ایراد دیگری که مطرح می‌نمایند این است که نهضت آزادی ایران به طمع کسب قدرت خواهان مشارکت و پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری شده است! گمان می‌کنیم نهضت آزادی ایران در گذشته روشن و نسبتاً طولانی ۲۳ ساله مبارزات ملی و اسلامی خود نشان داده و ثابت کرده باشد که رسیدن به قدرت و احراز مقامات دولتی هیچگاه مورد علاقه و اصرارش نبوده اعلام و احقاق حق ملت و قیام اصولی علیه ستمگری و نارواییها را بیشتر از آن دنبال می‌کرده است. راهنمای نهضت در فعالیتهای اجتماعی در همان مناجات پیشوایمان علی علیه‌السلام خلاصه شده است که فرمود:

«بار خدایا تو خوب می‌دانی که آنچه از ما سرزده است رقابت برای کسب قدرت یا جستجوی چیزی از تمتعات دنیا نبوده است، بلکه تا اصول روشن دینت را (از کجی و انحرافات وارده) بازگردانیم و اصلاح را در کشورت پدید آوریم که در نتیجه آن بندگان ستم‌دیده‌ات ایمنی یابند و قوانین تعطیل شده‌ات اجرا گردد.» همچنین می‌پرسند اگر ملت در انتخابات شرکت کرده و با وجود انواع خطرات و محدودیتها و موانع بتواند رئیس جمهور مورد قبول خود را با اکثریتی قاطع هم انتخاب کند، با وجود تعدد مراکز قدرت و تصمیم‌گیری و در چارچوب نظام فکری حاکم با نقش قیومیبت روحانیت، رئیس جمهور شما به تنهایی چگونه خواهد توانست گام مؤثری در رفع مشکلات اساسی بردارد؟

به نظر ما انتظار تحقق کامل قطعی و فوری خواسته‌های یک ملت در اولین اقدام و حرکت، خصوصاً در عالم سیاست و در مسائل پیچیده اجتماعی و اداری و فرهنگی یک کشور استبداد زده و مبتلا به استعمار، عادت مردمان خام و ساده‌لوحان کم‌ظرفیت است. موفقیت‌های نسبی تدریجی و افتادن کارها در خط صحیح، خود گام بس بزرگ به شمار می‌رود و می‌تواند تضمین‌کننده پیروزی نهائی باشد. صرف حضور و مشارکت مردم در انتخابات ریاست جمهوری، در شرایط یأس و ترس امروزی، و قبولاندن آزادی و حاکمیت ملی به دولتمردان، خود دارای ارزش و اثر فوق‌العاده است. همین قدر که اجتماع و اتحاد مردم و تصمیم آنها باعث شود فرد مطلوب مستقل ملی و مسلمانی از صندوقها بیرون آید، صرفنظر از آنکه این خود پیروزی ملت و احیای انقلاب است، این تصمیم و تمایل، نظر مردم و برنامه مرود قبولشان را از پرده ابهام و ادعا بیرون می‌آورد و مانند یک رفراندوم تکلیف مملکت و متصدیان را روشن می‌کند. حاکمیت نیز نخواهد توانست در تبلیغات یکجانبه متکی بر اختناق این ادعا را باز هم تکرار کند که «همه مردم تأییدکننده ما و سیاستهای ما هستند!». رئیس جمهور واقعی ملت، هر کس باشد، با حمایت خدا و پشتیبانی خلقی که به دنبال دارد خواهد توانست همه مقامات را وادار به تبعیت از حاکمیت ملی و قانون اساسی و اصول اولیه انقلاب بنماید.

مردم نباید تصور کنند حاکمیت موجود روئین‌تان تاریخ و قادر متعالهای ایران‌اند. بسیاری از افراد حاکمیت خوب می‌دانند که تکیه‌گاهی در میان اکثریت ملت ندارند و به همین دلیل نیز با تمام نیرو و به بهانه جنگ و توطئه‌های دشمن و... جلو حرف و حرکت مخالفین را می‌گیرند و روزنامه و دفتر و اجتماع آنها را تعطیل و سرکوب می‌نمایند. اگر حسابشان پاک است از انتقاد چه باک دارند؟! راز بقا و سرکشی آنها اولاً خالی بودن میدان از حضور فعال همه قشرهای ملت و از مردم غیرمجنوب و مأمور است. ثانیاً فقدان جانشین یا راه‌حل جایگزین.

### ما و گروه‌های ضدانقلاب و طرفداران براندازی

گروه‌های ضدانقلاب و طرفداران رژیم جمهوری اسلامی نیز در رادیوها و انتشارات خود بیانیه «چه باید کرد» را مورد نقد قرار داده به سختی بر ما تاخته‌اند. برای این گروه‌ها هر حرکت و اقدامی که رسیدن آنان را به قدرت به تعویق بیندازد طبعاً محکوم است. آنها خواهان آشفتگی و نابسامانی هر چه بیشتر کشور هستند بنابراین حل مسالمت‌آمیز بحرانهای کنونی کشور در جهت ادامه و بقا نظام را مانع به قدرت رسیدن خود می‌دانند.

برخی از این گروه‌ها در بوقهای خود دمیده‌اند که «مگر چه تحولی رخ داده است، شما که در انتخابات قبلی مجلس شرکت نکردید اکنون مردم را به شرکت در انتخابات ریاست جمهوری تشویق می‌کنید؟» برای کسانی که اطلاعیه‌های ششگانه نهضت در انتخابات مجلس و بیانیه «چه باید کرد» را مطالعه کرده باشند قضیه کاملاً روشن است. ما در انتخابات مجلس از آغاز برای «تأمین آزادی انتخابات» تلاش کردیم و اکنون نیز از همین نقطه شروع می‌کنیم. اگر همت مردم و واقع‌بینی و دوراندیشی احتمالی دولتمردان به حدی برسد که به حقوق ملت و قانون اساسی گردن نهاده آزادی و امنیت انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان را جدی گرفته و عملاً تأمین نمایند، نهضت آزادی همراه با سایر قشرهای ملت در

انتخابات شرکت نموده نامزد نیز معرفی خواهد نمود. در غیر اینصورت به ناچار انتخاباتی را که بدین ترتیب فساد و عدم مشروعیت آن آشکار شده باشد تحریم خواهد کرد.

## ما و حاکمیت

همانطور که گفته شد بیانیه «چه باید کرد» و توصیه‌های قانونی و به حق ما با عکس‌العمل رسمی و مساعدی از طرف حاکمیت روبرو نشد. گو اینکه به نظر می‌رسد پاسخ خود را در حملات برنامه‌ریزی شده وسیع و هماهنگ به مقر نهضت آزادی در تاریخهای ۲۸ صفر و ۲۲ بهمن و تعطیل و لاک و مهر دفتر نهضت عملاً داده باشند!! به نظر ما این امر معلول غرور و سیاست عمومی آنان در نادیده انگاشتن منتقدین می‌باشد به طوری که حاکمیت هرگونه مخالفت با عملکردش را در رسانه‌های گروهی خود به عنوان مخالفت با اصل نظام تبلیغ نموده اذهان را منحرف و مشوش می‌سازد اما از آنجائی که ورود ما در مبارزه سیاسی و پیگیریمان در دفاع از حقوق ملت نه به قصد خوش‌آیند مقامات و نه از روی لجابت و عناد است چاره‌ای نداریم جز آنکه با توکل به خدا راهمان را ادامه داده در حد توانمان گامی به جلو برداریم. بنابراین بار دیگر نظریات و خواسته‌های خود را به شرح ذیل اعلام می‌داریم:

### از مردم تقاضا داریم:

۱- اگر در این راه حل نواقصی می‌بینید ما را با نظریات و پیشنهادات خود یاری نمائید و اگر آن را صحیح می‌یابید با تشکیل مجامعی هر چند کوچک، در راه برپائی و ایستادگی مردم کوشیده، دیگران را قانع سازید که تنها راه نجات مملکت مشارکت در سرنوشت خود و تلاش در راه تأمین آزادی و اعمال حاکمیت ملی می‌باشد.

۲- در صورتیکه با راه حل پیشنهادی ما موافقاید به تکثیر و انتشار این بیانیه پرداخته با اعلام و ابلاغ کلمه حق، آن را در هر محفل و مجلس و در جمع دوستان و همکاران و حتی بی‌طرفان و مدعیان مطرح ساخته با اتخاذ رویه‌ای منطقی و به دور از تعصب و احساسات، ملت را بیدار و امیدوار سازید.

۳- خواسته‌های قانونی خود را با امضاهای مشخص و به شیوه‌ای مستدل و محکم به دولتمردان منعکس نموده عدم رضایت و تصمیم حق‌طلبانه خود را بی‌پروا و در چارچوب قانون اساسی به اطلاع آنان رسانده به طور علنی منتشر سازید.

### و از حاکمیت می‌خواهیم:

۱- قانون اساسی و اصول مصرحه در آن، بویژه اصول مربوط به حقوق مردم و حاکمیت ملی را بیش از این زیر پا نگذارده تا خیلی دیر نشده به آن تمکین نماید. علاوه بر آن، کوشش برای اصلاح یا تغییر حاکمیت را به حساب مخالفت با نظام جمهوری اسلامی نگذاشته آن را بهانه‌ای برای تحدید بیشتر آزادی و تثبیت حاکمیت استبداد ننماید. ما در این موضع تقاضا و توقعی برای خودمان و داعیه‌ای خلاف مصالح ایران و اسلام نداریم.

۲- آزادی مطبوعات، اجتماعات و بیان عقیده را که از خواسته‌های ملت و دستاوردهای سقوط رژیم سلطنتی بوده محترم شمرده و اجازه دهد مردم به انتقاد و اظهارنظر در حل مشکلات کنونی کشور اعم از جنگ، گرانی، فساد، ناامنی و بی‌عدالتی بکوشند. لازم به تذکر است که وجود روزنامه‌های محدودی که بلندگوی حاکمیت بوده نظریات دولتمردان را همانطور که در رادیو و تلویزیون بیان می‌شود تکرار می‌کنند،

نمی‌تواند نشانه آزادی مطبوعات باشد. حاکمیتی که مدعی است قاطبه قریب به اتفاق ملت مرید و موافق آن هستند اگر راست می‌گویند به مخالفین آزادی و امکانات قانونی را بدهد تا صدق گفتارش ثابت شود.

۳- به مخالفینی که وفادار به نظام جمهوری اسلامی هستند اجازه دهد به همان اندازه که خود برای حمله به آنها از رسانه‌های گروهی استفاده می‌نمایند، حق بیان و دفاع آزاد و ارائه فکر و نظر داشته باشند. و بالاخره اگر به حقوق ملی، اسلام، قانون اساسی و پیمانهای اولیه انقلاب اهمیتی نمی‌دهند تا خیلی دیر نشده به مصلحت خود و صنف خود بیندیشند...



بدون تردید تسلیم شدن به خواسته‌های قانونی و برحق فوق برای اکثریت حاکمیت موجود بسیار مشکل است اما برای نجات کشور از سقوط قطعی، سقوطی که به دنبال نابودی ایران و بالش بدنام ساختن اسلام و انقلاب را با خود خواهد آورد درمانی جز خوردن این داروی تلخ نیست.



#### هموطنان عزیز:

شما در برابر خدا، تاریخ و وجدان خودتان مسئول هستید. تا فرصت باقی است با حضور در صحنه برای تأمین حقوق و آزادیهای قانونی خود و به خاطر حفظ موجودیت کشور و نظام جمهوری اسلامی و تحقق همه جانبه آرمانهای اصیل انقلاب به پا خیزید.

**والذین جاهدوا فینا لنهدينهم سبلنا و ان الله لمع المحسنين**

(ما به یقین راههای خود را به کسانی که در طریق ما تلاش می‌کنند ارائه می‌دهیم و بدانید که خدا حتماً

با نیکوکاران است.)

**نهضت آزادی ایران**

خرداد ۱۳۶۴